

اصول کلان و خرد سیاست گذاری جنایی در حقوق ایران: از قانون گذاری تا عدالت ترمیمی		
وابستگی سازمانی	نویسندگان	
دانش آموخته دکتری تخصصی، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران	احسان بیانی *	
<p>چکیده</p> <p>مقاله حاضر به بررسی اصول کلان و خرد سیاست گذاری جنایی در حقوق ایران می پردازد و رویکردهای مختلف تقنینی، قضایی، مشارکتی، پیشگیرانه و ترمیمی را مورد تحلیل قرار می دهد. در بخش اصول کلان، سیاست جنایی تقنینی با تأکید بر نقش قانون گذاری و تدوین مقررات جزایی، سیاست جنایی قضایی با تمرکز بر اجرای عدالت توسط دادگاه ها و قضات، سیاست جنایی مشارکتی با محوریت مشارکت جامعه مدنی و نهادهای مردمی، سیاست جنایی پیشگیرانه با هدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق آموزش و رفع عوامل خطر، و سیاست جنایی ترمیمی با رویکرد بازسازی آسیب های وارده به قربانیان و بازگشت مجرمان به جامعه، به تفصیل بررسی شده اند. در بخش اصول خرد، بر مفاهیمی چون اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، اصل شخصی بودن مجازات، اصل تناسب جرم و مجازات، و اصل فردی سازی مجازات تأکید شده است. این اصول به منظور تضمین عدالت، حفظ کرامت انسانی و پیشگیری از مجازات های خودسرانه تدوین شده اند و نقش مؤثری در ارتقاء اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری ایفا می کنند. در نهایت، مقاله نتیجه می گیرد که تحقق یک نظام سیاست گذاری جنایی کارآمد و عادلانه، مستلزم توجه همزمان به اصول کلان و خرد، مشارکت فعال جامعه، و به کارگیری رویکردهای نوین مانند عدالت ترمیمی است تا بتواند ضمن کاهش بزهکاری، به بهبود امنیت و عدالت اجتماعی در جامعه ایرانی کمک کند.</p>	اطلاعات مقاله	
	نوع مقاله	پژوهشی
	صفحه	۷۶-۹۴
	دوره ۲، شماره ۱ (شماره سوم پیاپی)	
	اطلاعات نویسنده مسئول	
	نویسنده مسئول	احسان بیانی
	کد ارکید	۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰
	تلفن	۰۹۱۴۳۰۲۳۱۹۴
	ایمیل	ehsanbayani1357@gmail.com
	سابقه مقاله	
تاریخ دریافت	۱۴۰۴/۰۱/۱۵	
تاریخ ویرایش	۱۴۰۴/۰۲/۰۱	
تاریخ پذیرش	۱۴۰۴/۰۲/۱۵	
تاریخ انتشار	۱۴۰۴/۰۳/۱۸	
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی	
واژگان کلیدی	سیاست گذاری، قانون گذاری، عدالت ترمیمی	
توضیحات		
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.		
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.		
نحوه استناد	بیانی، احسان (۱۴۰۴)، «اصول کلان و خرد سیاست گذاری جنایی در حقوق ایران: از قانون گذاری تا عدالت ترمیمی»، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۱، (شماره سوم پیاپی)، صفحات ۷۶-۹۴	

Macro and Micro Principles of Criminal Policy in Iranian Law: From Legislation to Restorative Justice	
Authors	
Ehsan Bayani *	
Organizational Affiliation	
Ph.D. Graduate in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Maragheh, Iran	
Article Information	
Article Type	Research
Pages	76 - 94
Volume 2, Issue 1	
Corresponding Author's Info	
Corresponding Author's	Ehsan Bayani
ORCID	0000-0000-0000-0000
Tell	09143023194
Email	ehsanbayani1357@gmail.com
Article History	
Received	2025/04/04
Revised	2025/04/21
Accepted	2025/05/05
Published Online	2025/06/07
Research Method	Descriptive Analytical
Abstract	
<p>This article examines the macro and micro principles of criminal policy in Iranian law and analyzes various approaches including legislative, judicial, participatory, preventive, and restorative policies. In the macro principles section, legislative criminal policy emphasizes the role of lawmaking and the drafting of penal regulations; judicial criminal policy focuses on the administration of justice by courts and judges; participatory criminal policy centers on the involvement of civil society and public institutions; preventive criminal policy aims to prevent crime through education and addressing risk factors; and restorative criminal policy seeks to repair the harm caused to victims and facilitate the reintegration of offenders into society. The micro principles section highlights concepts such as the legality of crimes and punishments, the personal nature of punishment, proportionality between crime and punishment, and individualization of sanctions. These principles are designed to ensure justice, preserve human dignity, and prevent arbitrary punishments, thereby playing a significant role in enhancing public trust in the criminal justice system. Ultimately, the article concludes that establishing an effective and fair criminal policy system requires simultaneous attention to both macro and micro principles, active community participation, and the adoption of modern approaches such as restorative justice. This integrated approach can reduce criminal behavior and contribute to improving security and social justice in Iranian society.</p>	
Keywords	<i>Policy-making, Legislation, Restorative Justice</i>
Description	
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>	
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>	
How to Cite This Article	Bayani, Ehsan (2025), "Macro and Micro Principles of Criminal Policy in Iranian Law: From Legislation to Restorative Justice", Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law & Education, Volume 2, Issue 1, (Third Consecutive Issue), Pages 76 - 94

۱- مقدمه

در دنیای معاصر، مفهوم سیاست‌گذاری جنایی به یکی از مهم‌ترین ارکان نظام‌های حقوقی و اجتماعی تبدیل شده است. سیاست‌گذاری جنایی به مجموعه‌ای از تدابیر، برنامه‌ها و راهبردهایی اطلاق می‌شود که با هدف کنترل و کاهش بزهکاری، تأمین امنیت اجتماعی، حمایت از بزه‌دیدگان و اصلاح و بازپروری بزهکاران تدوین و اجرا می‌گردد. این سیاست‌ها نه تنها منعکس‌کننده نگرش جامعه به جرم و مجازات هستند، بلکه بازتابی از ارزش‌ها، هنجارها و اولویت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر کشور به شمار می‌روند. در این میان، نظام حقوقی ایران نیز با توجه به پیشینه تاریخی، ساختار فرهنگی و الزامات دینی خود، رویکردهای خاصی را در عرصه سیاست‌گذاری جنایی اتخاذ کرده است که بررسی و تحلیل آن‌ها می‌تواند به درک بهتر نقاط قوت و ضعف این نظام منجر شود. سیاست‌گذاری جنایی را می‌توان در دو سطح کلان و خرد مورد بررسی قرار داد. اصول کلان سیاست‌گذاری جنایی، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های کلی را برای نظام عدالت کیفری تعیین می‌کنند. این اصول شامل سیاست جنایی تقنینی (قانون‌گذاری)، سیاست جنایی قضایی (نحوه اجرای قوانین توسط مراجع قضایی)، سیاست جنایی مشارکتی (مشارکت نهادهای مردمی و جامعه مدنی)، سیاست جنایی پیشگیرانه (اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از وقوع جرم) و سیاست جنایی ترمیمی (تلاش برای جبران خسارت بزه‌دیدگان و بازاجتماعی‌سازی بزهکاران) هستند. هر یک از این رویکردها، نقش ویژه‌ای در تحقق اهداف عدالت کیفری ایفا می‌کنند و در تعامل با یکدیگر، ساختار سیاست جنایی یک کشور را شکل می‌دهند. در مقابل، اصول خرد سیاست‌گذاری جنایی به قواعد و ضوابطی اشاره دارند که در فرآیند قانون‌گذاری و اجرای عدالت باید رعایت شوند تا از حقوق و آزادی‌های فردی حفاظت گردد و از اعمال مجازات‌های خودسرانه و ناعادلانه جلوگیری شود. از جمله مهم‌ترین این اصول می‌توان به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، اصل تناسب جرم و مجازات، اصل فردی‌سازی مجازات و اصل رعایت کرامت انسانی اشاره کرد. رعایت این اصول، تضمین‌کننده عدالت کیفری و پیشگیری از نقض حقوق بشر در فرآیند مقابله با جرم است. نظام سیاست‌گذاری جنایی ایران، با بهره‌گیری از آموزه‌های فقهی، قوانین موضوعه، عرف اجتماعی و الزامات بین‌المللی، همواره در تلاش بوده است تا تعادلی میان حفظ نظم عمومی، تأمین امنیت جامعه و رعایت حقوق و آزادی‌های فردی برقرار سازد. قانون مجازات اسلامی، آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مرتبط، بازتاب‌دهنده این تلاش‌ها هستند. با این حال، تحولات اجتماعی، رشد فناوری، تغییر الگوهای بزهکاری و الزامات حقوق بشری، ضرورت بازنگری مستمر در سیاست‌های جنایی را دوچندان ساخته است. به ویژه در سال‌های اخیر، توجه به رویکردهای نوین مانند عدالت ترمیمی، جایگزین‌های حبس، مجازات‌های جایگزین و مشارکت جامعه مدنی در فرآیند عدالت کیفری، به عنوان راهکارهایی مؤثر برای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اجتماعی جرم و ارتقاء سطح رضایت عمومی مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از چالش‌های اساسی نظام سیاست‌گذاری جنایی ایران، ایجاد توازن میان اقتدار دولت در مقابله با جرم و تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان است. از یک سو، جامعه انتظار دارد که دولت با قاطعیت و کارآمدی با بزهکاران برخورد کند و امنیت عمومی را حفظ نماید؛ از سوی دیگر، رعایت اصول دادرسی عادلانه، کرامت انسانی و پیشگیری از نقض حقوق متهمان و محکومان، از الزامات اساسی نظام عدالت کیفری به شمار می‌رود. این توازن، تنها از طریق تدوین سیاست‌های جنایی مبتنی بر اصول علمی، تجربیات موفق جهانی و بومی‌سازی آن‌ها با توجه به شرایط خاص ایران امکان‌پذیر است. علاوه بر این، نقش مشارکت جامعه در سیاست‌گذاری جنایی، به ویژه از طریق نهادهای مردمی، سازمان‌های غیردولتی و شوراهای حل اختلاف، در سال‌های اخیر پررنگ‌تر شده است. این مشارکت نه تنها به افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز تحقق عدالت ترمیمی و کاهش احساس بی‌عدالتی در جامعه می‌شود. توجه به نیازهای بزه‌دیدگان، جبران خسارت‌های وارد شده به آنان و تلاش برای بازاجتماعی‌سازی بزهکاران، از جمله رویکردهای نوینی است که می‌تواند نظام سیاست‌گذاری جنایی ایران را به سمت عدالت‌محوری و انسان‌مداری سوق دهد. در نهایت، باید تأکید کرد که تحقق یک نظام سیاست‌گذاری جنایی کارآمد و عادلانه، مستلزم توجه همزمان به اصول کلان و خرد، بهره‌گیری از دانش و تجربیات تخصصی، مشارکت فعال جامعه و به‌کارگیری رویکردهای نوین است. این مقاله با هدف بررسی و تحلیل اصول کلان و خرد سیاست‌گذاری جنایی در حقوق ایران، تلاش دارد تا ضمن تبیین مفاهیم و مبانی

نظری، به نقد و ارزیابی عملکرد نظام حقوقی کشور در این زمینه بپردازد و راهکارهایی برای بهبود و ارتقاء سیاست‌های جنایی ارائه نماید. امید است یافته‌های این پژوهش بتواند گامی مؤثر در جهت توسعه عدالت کیفری و ارتقاء امنیت و آرامش اجتماعی در ایران بردارد.

۲- مفهوم شناسی سیاست گذاری جنایی

به طور کلی، سیاست‌گذاری جنایی یک حوزه میان‌رشته‌ای است که به بررسی تعاملات بین قانون، جامعه، روانشناسی، و علوم اجتماعی می‌پردازد تا بهترین راهکارها برای مقابله با جرائم و ارتقاء امنیت اجتماعی را شناسایی کند (شمس، ۱۳۸۶: ۱۳). سیاست‌گذاری جنایی به معنای فرآیند تعیین و اجرای سیاست‌ها و راهکارهایی است که هدف آن پیشگیری از جرم، کنترل و کاهش وقوع جرم، و همچنین مدیریت نظام عدالت کیفری است. در این زمینه، واژه «سیاست» به معنای یک برنامه یا رویکرد کلی برای رسیدن به هدف‌های خاص استفاده می‌شود و «جنایی» به موضوعات مرتبط با جرائم و نظام حقوقی کیفری اشاره دارد (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۰). در فقه اسلامی، سیاست‌گذاری جنایی به مجموعه اصول و قواعدی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، قوانین و مقررات مربوط به جرم و مجازات تدوین می‌شوند. این سیاست‌ها باید با توجه به اهداف شرعی مانند حفظ امنیت، عدالت و جلوگیری از فساد اجتماعی تنظیم شوند. فقه اسلامی به مقوله‌هایی چون تعزیرات، حدود، قصاص و دیات پرداخته و سیاست‌گذاری جنایی باید بر مبنای این اصول فقهی صورت گیرد (خواججه پیری، ۱۳۸۹: ۳۹). سیاست‌گذاری جنایی مفهومی است که به تحلیل و طراحی راهکارهایی می‌پردازد که هدف آن کاهش جرم و ارتقاء امنیت اجتماعی است. این مفهوم شامل مجموعه‌ای از تصمیمات و اقدامات است که توسط دولت‌ها و نهادهای قضائی اتخاذ می‌شود تا به ایجاد یک نظام عدالت کیفری کارآمد کمک کند. سیاست‌گذاری جنایی می‌تواند شامل مواردی چون پیشگیری از جرم، اصلاح مجرمین، حمایت از قربانیان جرم، و بهبود نظام قضائی باشد (کانونزبان، ۱۳۸۵: ۳۵).

۳- پیشینه شناسی

پژوهش‌های متعددی در رابطه با سیاست گذاری جنایی و موضوعات نزدیک به آن توسط پژوهشگران به رشته تحریر در آورده شده اند که در زیر به بخشی از آنها اشاره می شود:

عباس شیری (۱۴۰۲)، در مقاله ای با عنوان «سیاست‌گذاری جنایی در حقوق بزه دیدگان به سیاست جنایی و سیاست گذاری جنایی و متعاقبا حقوق بزه دیده» درباره بزه دیدگان بر اساس سیاست‌های کلی نظام سند چشم انداز ۱۴۰۴ قانون برنامه پنج ساله ششم پرداخت و به این نتایج دست یافت که تدوین سیاست‌گذاری جنایی از نیازهای ضروری در کشور است. هر چند در مصوبات مربوطه در ارتباط با پدیده بزهکاری و بزه‌دیدگی مواردی مشاهده میشود ولی گستره بزه و آسیبهای اجتماعی و ارتباط آن با سایر وظایف و اختیارات نظام در قلمروی اقتصاد صنعت سیاست خارجی امنیت و ... تدوین سیاست مستقل را ضروری میسازد.

حسین غلامی و محمد رحمانی (۱۴۰۱)، در مقاله خود با عنوان «مختصات تئوریک سیاست جنایی حکومت جمهوری اسلامی ایران تحلیل مبانی اصول و مدلبندی در مقام تئوری سیاست جنایی» با توجه به نوع حکومت چهارچوب خاص خود را خواهد داشت و نوع نگرش حکومتها به مفاهیم سه گانه ی قدرت آزادی و برابری انواع مختلفی از سیاست جنایی را رقم میزند. حکومت ایران وفق اساسنامه اش به مبانی جمهوریت پایبند است و وصف اسلامی داشتن حکومت ایران از دیدگاه قانون اساسی در تعارض با اصول جمهوریت و دموکراسی نیست.

سید محمد فرخ، رضا شفیعی، سلمان کونانی و سمیرا گلخندان (۱۴۰۰)، در مقاله ای با عنوان «رویکرد سیاست جنایی در حمایت از حقوق اساسی ملت با تأکید بر مداخله دولت (حکومت) و جامعه مدنی»، دریافتند که وجود یک سیاست جنایی مشارکتی مبتنی بر قدرت متوازن مردم و نهادهای دولتی که ملزم به رعایت بایسته‌های حمایت از مداخله جامعه مدنی و مدیریت حضور حمایت‌گرانه دولت باشد کاراترین روش و ابزار و بستری مطلوب برای صیانت از این حقوق بوده و این رویکرد که با قرائت و برداشتی صحیح از برخی مولفه های اصلی مدل دولتی جامعه مردم

سالار سیاست جنایی از جمله اصل قانونمندی جرایم و مجازاتها بزه دیده مداری ضمانت اجراهای اداری و میانجیگری باشد به ارتقای سطح رضایتمندی عمومی نسبت به ساختار حاکمیتی اجتماع و در نهایت زمینه ساز تحقق مردم سالاری در جامعه خواهد شد. بررسی ها نشان می دهد که مقالات نوشته شده توسط سایر پژوهشگران صرفا در ارتباط با مفهوم شناسی سیاست گذاری جنایی بوده و این همان نقطه تمایز پژوهش پژوهش حاضر می باشد و از این لحاظ که ما در این پژوهش به بررسی اصول کلان و خرد آن نیز خواهیم پرداخت.

۴- اصول کلان سیاست گذاری جنایی در حقوق ایران

اصول سیاست گذاری جنایی در حقوق ایران شامل مجموعه ای از تدابیر و اقدامات است که به منظور مقابله با جرم و بزهکاری و همچنین پیشگیری از وقوع آنها اتخاذ می شود. این اصول را می توان به چند دسته کلی تقسیم کرد که در ادامه به شرح آنها می پردازیم.

۴-۱- سیاست جنایی تقنینی

این سیاست شامل قوانین و مقرراتی است که توسط مجلس شورای اسلامی تصویب می شود. این قوانین شامل قانون اساسی، قوانین جزایی و آیین دادرسی کیفری است که به عنوان مبنای اصلی سیاست گذاری جنایی در ایران عمل می کنند. سیاست جنایی تقنینی به مجموعه ای از قوانین و مقررات اشاره دارد که توسط قانون گذاران برای مقابله با جرایم و حفظ نظم و امنیت اجتماعی تدوین می شود. سیاست جنایی تقنینی به معنای استفاده از ابزارهای قانونی برای مدیریت و کنترل رفتارهای مجرمانه است. این سیاستها شامل تدوین قوانین جزایی، آئین نامه ها و مقررات مرتبط با حقوق کیفری می شود که به طور خاص به تعریف جرائم، تعیین مجازاتها و فرآیندهای دادرسی پرداخته و به حفظ نظم و امنیت عمومی کمک می کنند. (شیرانی و قلفی، ۱۴۰۲: ۳۵۱) یکی از اهداف اصلی سیاست جنایی تقنینی، حفظ امنیت و نظم عمومی در جامعه بوده و تدوین قوانین و مقررات به گونه ای که به کاهش فرصت های ارتکاب جرم کمک کند، از دیگر اهداف مهم این سیاستهاست. از طرفی سیاست جنایی باید به گونه ای طراحی شود که عدالت را در فرآیندهای قضایی و کیفری تأمین کند و حقوق افراد را محترم بشمارد. این سیاستها شامل جرم انگاری، تعیین مجازاتها، و ایجاد چارچوب های قانونی برای پیشگیری و مقابله با جرایم است. (شفاهی و گرابلی، ۱۴۰۲: ۲۰۲)

۴-۲- سیاست جنایی قضایی

این سیاست شامل تصمیمات و احکام قضایی است که توسط دادگاهها و قضات صادر می شود. در این بخش، قضات با استفاده از اختیارات خود می توانند مجازاتهای جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی را اعمال کنند. به عبارت دیگر سیاست جنایی قضایی به مجموعه ای از اصول و رویه ها اشاره دارد که در فرآیند رسیدگی به جرائم و اجرای مجازاتها توسط قوه قضائیه اعمال می شود. این سیاست شامل تفسیر و اجرای قوانین جزایی، نحوه رسیدگی به پرونده ها و صدور احکام است. سیاست جنایی قضایی به عنوان یکی از ارکان مهم سیاست گذاری جنایی، به نحوه اجرای قوانین جزایی و تأثیر آن بر عدالت کیفری و امنیت عمومی اشاره دارد. این سیاست به طور خاص به تعامل میان قانون گذاران، قضات و نهادهای اجرایی می پردازد و می تواند تأثیرات عمیقی بر نحوه برخورد با جرائم و مجرمان داشته باشد. قوه قضائیه به عنوان نهاد مستقل مسئول اجرای عدالت، نقش کلیدی در سیاست جنایی قضایی دارد. این قوه باید بر حسن اجرای قوانین نظارت داشته باشد و در مواردی که قوانین به درستی اجرا نمی شوند، اقدام کند. همچنین، قوه قضائیه باید به عنوان نهاد پاسخگو در برابر مردم و نهادهای قانونی عمل کند. این نوع سیاست جنایی به دنبال ایجاد تعادل بین پیشگیری از جرم و مجازات مجرمان است. (سیروس و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۱)

۳-۴- سیاست جنایی مشارکتی

این سیاست شامل مشارکت جامعه مدنی و نهادهای مردمی در فرآیند سیاست‌گذاری جنایی است. این مشارکت می‌تواند به شکل حمایت از قربانیان جرم، برنامه‌های پیشگیری از جرم و آموزش عمومی باشد. نقش سیاست جنایی مشارکتی در سیاست‌گذاری جنایی به معنای مشارکت فعال جامعه، نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی در فرآیندهای مرتبط با جرم و مجازات است. این رویکرد می‌تواند به بهبود کارایی و اثربخشی سیاست‌های جنایی کمک کند. مشارکت جامعه در سیاست‌گذاری جنایی می‌تواند به افزایش شفافیت و پاسخگویی نهادهای دولتی منجر شود. وقتی مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت دارند، احساس می‌کنند که نظرات و نیازهای آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و این موضوع می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی کمک کند. جامعه به‌عنوان منبع اصلی اطلاعات درباره وضعیت امنیتی و مشکلات محلی می‌تواند در شناسایی نیازها و چالش‌های خاص هر منطقه کمک کند. این اطلاعات می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا برنامه‌ها و سیاست‌های متناسب با واقعیت‌های محلی طراحی کنند. (نادری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۸۱) مشارکت جامعه می‌تواند به تقویت همکاری میان نهادهای مختلف، از جمله پلیس، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای اجتماعی منجر شود. این همکاری می‌تواند به بهبود فرآیندهای پیشگیری از جرم و کاهش بزهکاری کمک کند. مشارکت جامعه در طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیری اجتماعی می‌تواند به کاهش جرم و بزهکاری کمک کند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آموزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشند که به تقویت مهارت‌های اجتماعی و کاهش عوامل خطر در جامعه کمک می‌کنند. مشارکت در سیاست‌گذاری جنایی می‌تواند حس مسئولیت اجتماعی را در افراد تقویت کند. وقتی مردم در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند، احساس تعلق و مسئولیت بیشتری نسبت به جامعه خود خواهند داشت و این می‌تواند به کاهش بزهکاری و افزایش امنیت منجر شود. سیاست جنایی مشارکتی نقش حیاتی در سیاست‌گذاری جنایی ایفا می‌کند و می‌تواند به بهبود کارایی و اثربخشی این سیاست‌ها کمک کند. با توجه به نیاز به اعتماد عمومی، شناسایی مشکلات محلی و تقویت همکاری میان نهادها، لازم است که سیاست‌گذاران به‌طور فعال از نظرات و تجربیات جامعه بهره‌برداری کنند. این رویکرد می‌تواند به کاهش جرم و بزهکاری و افزایش امنیت عمومی منجر می‌شود. (نقی پور نصیرآبادی و همکاران،

۱۴۰۲: ۲۴۵)

۴-۴- سیاست جنایی پیشگیرانه

این سیاست شامل اقداماتی است که به منظور پیشگیری از وقوع جرم انجام می‌شود. این اقدامات می‌تواند شامل آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه، ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش فقر باشد. سیاست جنایی پیشگیرانه به عنوان یک رویکرد کلیدی در سیاست‌گذاری جنایی، نقش بسزایی در کاهش جرم و بزهکاری دارد. این نوع سیاست به دنبال شناسایی و رفع عوامل مؤثر بر وقوع جرم پیش از وقوع آن است و می‌تواند به بهبود امنیت اجتماعی و کاهش هزینه‌های اجتماعی ناشی از جرم کمک کند. هدف اصلی سیاست جنایی پیشگیرانه، جلوگیری از وقوع جرم از طریق شناسایی و مدیریت عوامل خطر است. این رویکرد بر پیشگیری از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و ایجاد فرصت‌های اجتماعی تأکید دارد. یکی از اصول کلیدی این سیاست، جلب مشارکت جامعه و نهادهای مدنی در فرآیند پیشگیری است. (غلامرضایی راد و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۱) این مشارکت می‌تواند شامل برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و فعالیت‌های اجتماعی باشد که به تقویت روابط اجتماعی و کاهش تنش‌ها کمک می‌کند. سیاست جنایی پیشگیرانه بر اساس داده‌های علمی و تحقیقات اجتماعی شکل می‌گیرد. این اطلاعات به شناسایی الگوهای جرم و تعیین اولویت‌ها در برنامه‌های پیشگیری کمک می‌کند. سیاست جنایی پیشگیرانه به تدوین و اجرای برنامه‌های خاص برای گروه‌های آسیب‌پذیر و مناطق پرخطر می‌پردازد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشند که به کاهش عوامل مؤثر بر جرم کمک می‌کنند. این سیاست نیازمند همکاری نزدیک میان نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی است. به عنوان مثال، همکاری پلیس با سازمان‌های اجتماعی و آموزشی می‌تواند به افزایش اثربخشی برنامه‌های پیشگیرانه کمک کند. سیاست جنایی پیشگیرانه به شناسایی و رفع علل ریشه‌ای جرم، مانند فقر، بیکاری و عدم دسترسی به خدمات اجتماعی، می‌پردازد. این رویکرد به دنبال ایجاد شرایطی است که به کاهش انگیزه‌های جرم کمک کند. در نهایت،

سیاست جنایی پیشگیرانه به عنوان یک ابزار مؤثر در سیاست گذاری جنایی، می تواند به بهبود امنیت اجتماعی و کاهش هزینه های ناشی از جرم کمک کند. این رویکرد به ویژه در جوامع با نرخ بالای جرم و بزهکاری اهمیت بیشتری پیدا می کند. (فخعلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۱)

۴-۵- سیاست جنایی ترمیمی

این سیاست بر بازسازی و ترمیم آسیب های وارده به قربانیان جرم و همچنین بازگشت مجرمان به جامعه تأکید دارد. این سیاست می تواند شامل برنامه های مشاوره، آموزش و توانمندسازی مجرمان باشد. این اصول به منظور ایجاد یک سیستم قضایی عادلانه و کارآمد طراحی شده اند که هم به اصول دینی و هم به اصول دموکراسی پایبند باشد. سیاست جنایی ترمیمی به عنوان یک رویکرد نوین در سیاست گذاری جنایی، نقش مهمی در اصلاح و بهبود نظام عدالت کیفری ایفا می کند. این نوع سیاست گذاری به جای تمرکز بر مجازات و تنبیه، بر جبران خسارات و بازسازی روابط آسیب دیده تأکید دارد. سیاست جنایی ترمیمی به دنبال ایجاد یک فرآیند مشارکتی است که در آن بزهکار، بزه دیده و جامعه به عنوان ذینفعان اصلی درگیر می شوند. (باقوتی و نصیری اقدم، ۱۳۹۸: ۲) هدف این رویکرد، کاهش تنش ها و آسیب های ناشی از جرم و همچنین تسهیل بازپذیری اجتماعی بزهکاران است. این سیاست به دنبال جبران آسیب های ناشی از جرم و ایجاد شرایطی برای بهبود روابط اجتماعی است. سیاست جنایی ترمیمی به بزه دیدگان کمک می کند تا خسارت های خود را جبران کنند و احساس امنیت و آرامش را دوباره به دست آورند. با ایجاد شرایطی برای گفت و گو و تعامل میان بزهکار و بزه دیده، این سیاست می تواند به پیشگیری از وقوع مجدد جرم کمک کند. مشارکت جامعه در این فرآیند به افزایش آگاهی و مسئولیت پذیری اجتماعی منجر می شود. با توجه به نیازهای روحی و جسمی بزهکاران و تلاش برای کاهش مجازات های حبس، سیاست جنایی ترمیمی به دنبال ایجاد یک نظام عدالت اجتماعی عادلانه تر و انسانی تر است. این رویکرد به مشارکت فعال جامعه مدنی و نهادهای غیر دولتی در فرآیندهای جنایی تأکید دارد، که می تواند به بهبود فرآیندهای قضایی و افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کمک کند. با وجود مزایای متعدد، سیاست جنایی ترمیمی با چالش هایی نیز مواجه است. از جمله این چالش ها می توان به مقاومت در برابر تغییرات در نظام های سنتی عدالت کیفری و نیاز به آموزش و آگاهی بخشی به ذینفعان اشاره کرد. در نهایت، سیاست جنایی ترمیمی می تواند به عنوان یک ابزار مؤثر در سیاست گذاری جنایی، به بهبود وضعیت بزه دیدگان و بزهکاران و همچنین ارتقاء عدالت اجتماعی کمک کند. (مرادیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۷۵)

۵- اصول خرد سیاست گذاری جنایی در حقوق ایران

سیاست گذاری جنایی بر اساس اصول و مبانی خاصی شکل می گیرد که به آن جهت و هدف می بخشد. در گفتار دوم به بررسی اصول کلان سیاست گذاری پرداختیم و در این بخش از پژوهش به بررسی اصول خرد سیاست گذاری جنایی خواهیم پرداخت. اصول خرد به مجموعه ای از مفاهیم و قواعد اشاره دارد که به ما کمک می کند تا تصمیمات منطقی و عقلانی بگیریم. (شکری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵) به برخی از مهم ترین این اصول در ادامه بحث می پردازیم.

۵-۱- اصل قانونی بودن جرایم و مجازات

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها یکی از اصول خرد در سیاست گذاری جنایی است که تأثیر عمیقی بر نظام عدالت کیفری دارد. این اصل به معنای آن است که هیچ فردی نمی تواند به دلیل رفتاری مجازات شود مگر آنکه آن رفتار به صراحت در قانون به عنوان جرم تعریف شده باشد و مجازات آن نیز مشخص شده باشد. به عبارت ساده تر؛ اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها یکی از اصول بنیادین در حقوق کیفری است که به معنای این است که هیچ عملی جرم محسوب نمی شود و هیچ مجازاتی اعمال نمی گردد مگر اینکه قبلاً توسط قانون گذار به عنوان جرم شناخته شده و مجازات آن تعیین شده باشد. این اصل به منظور حفظ حقوق و آزادی های فردی و جلوگیری از اعمال خودسرانه و دلخواهانه توسط مقامات قضایی و اجرایی تدوین شده است. این اصل به حفظ حقوق فردی کمک می کند و از خودسری و سلیقه ای عمل کردن مقامات جلوگیری می کند.

به عبارتی، هیچ کس نمی تواند به دلخواه خود فردی را مجازات کند و این امر به ایجاد اعتماد عمومی به نظام قضایی کمک می کند. با وجود قوانین مشخص، افراد می توانند از عواقب رفتارهای خود آگاه باشند و در نتیجه، رفتارهای خود را بر اساس قوانین تنظیم کنند. این شفافیت به کاهش جرم و بزهکاری کمک می کند. اصل قانونی بودن به عدالت اجتماعی کمک می کند زیرا تمام افراد باید برابر در برابر قانون باشند و هیچ کس نمی تواند از مجازات فرار کند مگر اینکه قانون به صراحت او را معاف کند. با تعیین مجازات های مشخص برای جرایم، این اصل به عنوان یک ابزار پیشگیرانه عمل می کند. افراد با آگاهی از مجازات ها تمایل کمتری به ارتکاب جرم خواهند داشت. این اصل به متهمان این حق را می دهد که بدانند چه جرمی مرتکب شده اند و چه مجازاتی در انتظار آنهاست. این امر به عدالت در فرآیند قضایی کمک می کند و از مجازات های غیرمنصفانه جلوگیری می کند. در نهایت، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها نه تنها به عنوان یک قاعده حقوقی، بلکه به عنوان یک اصل اخلاقی و اجتماعی در سیاست گذاری جنایی اهمیت دارد. این اصل به ایجاد یک نظام عدالت کیفری عادلانه و مؤثر کمک می کند و از حقوق فردی و اجتماعی محافظت می نماید. (اکبری گندمانی و بهارلویی، ۱۳۹۷: ۵۲)

۵-۲- اصل شخصی بودن مجازات

اصل شخصی بودن مجازات یکی از اصول مهم در سیاست گذاری جنایی است که بر اساس آن، مجازات باید فردی و شخصی باشد و فقط مرتکب جرم باید مجازات شود. به عبارت ساده تر؛ اصل شخصی بودن مجازات به این معناست که هر فرد تنها برای اعمال و تقصیرات خود مسئول است و نمی توان کسی را به خاطر جرمی که دیگری مرتکب شده است، مجازات کرد. این اصل مستقیماً با حقوق بشر و کرامت انسانی ارتباط دارد و نقش مهمی در تضمین عدالت کیفری ایفا می کند. بر اساس این اصل، مجازات نباید به خانواده یا بستگان متهم سرایت کند. این امر به حفظ کرامت انسانی و حقوق افراد کمک می کند و از مجازات های جمعی جلوگیری می نماید. اصل شخصی بودن مجازات به عنوان یک اصل عدالت محور، به تضمین عدالت کیفری کمک می کند. هیچ کس نباید به دلیل جرم دیگری مجازات شود و هر فرد باید بر اساس اعمال خود محاکمه و مجازات شود. (گلدوزیان و قربانی، ۱۳۹۱: ۲۵) این اصل به عنوان یک ابزار پیشگیرانه عمل می کند. افراد با آگاهی از اینکه فقط خودشان مسئول اعمال خود هستند، تمایل کمتری به ارتکاب جرم خواهند داشت. اصل شخصی بودن مجازات به مرتکبان جرم این پیام را می دهد که باید در قبال اعمال خود پاسخگو باشند. این امر به تقویت مسئولیت پذیری و پذیرش عواقب رفتارهای مجرمانه کمک می کند. با وجود اهمیت این اصل، گاهی اوقات در عمل با چالش هایی مواجه می شود. برای مثال، در برخی جرایم خانوادگی یا اقتصادی، ممکن است سایر افراد نیز در جرم دخالت داشته باشند. در این موارد، قانون گذار باید با تدوین قوانین دقیق و شفاف، مرز میان مسئولیت افراد را مشخص کند. همچنین، آموزش و آگاهی بخشی به مردم در خصوص اصل شخصی بودن مجازات می تواند به کاهش انتظارات نادرست از نظام عدالت کیفری کمک کند. در نهایت، اصل شخصی بودن مجازات به عنوان یک اصل بنیادین در سیاست گذاری جنایی، به حفظ کرامت انسانی، تضمین عدالت و پیشگیری از جرم کمک می کند. قانون گذاران و مجریان قانون باید در تصمیم گیری های خود به این اصل توجه داشته باشند. (نوری، ۱۳۹۸: ۳۵۰)

۵-۳- اصل تناسب جرم و مجازات

اصل تناسب جرم و مجازات یکی از اصول اساسی در سیاست گذاری جنایی است که تأثیر زیادی بر عدالت کیفری و کارایی نظام قضایی دارد. این اصل به این معناست که مجازات باید متناسب با شدت و نوع جرم ارتكابی باشد و از این طریق به تحقق عدالت و پیشگیری از جرم کمک کند. اصل تناسب به ایجاد عدالت در نظام قضایی کمک می کند. اگر مجازات ها با جرم تناسب نداشته باشند، ممکن است احساس بی عدالتی در جامعه ایجاد شود و اعتماد عمومی به نظام قضایی کاهش یابد. مجازات های متناسب می توانند به عنوان ابزاری برای پیشگیری از جرم عمل کنند. اگر افراد بدانند که مجازات های سنگین برای جرایم خفیف وجود دارد، ممکن است به ارتکاب جرم تمایل بیشتری پیدا کنند. بنابراین، تعیین مجازات های متناسب می تواند به کاهش بزهکاری کمک کند. (بزدیان جعفری، ۱۳۸۷: ۱۳۹) یکی از اهداف مجازات ها، اصلاح و بازپروری مجرمین

است. اگر مجازات‌ها به شدت یا ضعف بیش از حد باشند، ممکن است نتوانند به این هدف دست یابند. مجازات‌های متناسب می‌توانند به مجرمین کمک کنند تا با عواقب رفتار خود آشنا شوند و در نتیجه به بازگشت موفقیت‌آمیز به جامعه کمک کنند. اصل تناسب به حفظ حقوق بشر و کرامت انسانی نیز کمک می‌کند. مجازات‌های غیرمنصفانه می‌توانند به نقض حقوق بشر منجر شوند و این امر به اعتبار نظام قضایی آسیب می‌زند. با وجود اهمیت این اصل، در عمل ممکن است چالش‌هایی وجود داشته باشد. برای مثال، تعیین دقیق تناسب میان جرم و مجازات نیازمند تحلیل‌های دقیق و علمی است که ممکن است در برخی موارد دشوار باشد. به منظور بهبود این وضعیت، نیاز به آموزش و آگاهی‌بخشی به قضات و مقامات قضایی در خصوص اصول تناسب و استفاده از داده‌های علمی و تجربی در تعیین مجازات‌ها وجود دارد. در نهایت، اصل تناسب جرم و مجازات به عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست‌گذاری جنایی، به ایجاد عدالت، پیشگیری از جرم و حفظ حقوق بشر کمک می‌کند و باید به طور جدی در فرآیندهای قانونی و قضایی مورد توجه قرار گیرد. (کوشا و زارعی، ۱۳۹۰: ۲۵)

۵-۴- اصل فردی سازی مجازات

اصل فردی‌سازی مجازات یکی از ارکان اساسی در سیاست‌گذاری جنایی است که به تخصیص مجازات‌ها بر اساس ویژگی‌ها و شرایط خاص هر فرد و جرم ارتكابی تأکید دارد. این اصل به دنبال تحقق عدالت و اصلاح مجرمین به جای صرفاً تنبیه آنهاست. فردی‌سازی مجازات به این معناست که مجازات‌ها باید با توجه به شرایط خاص هر مجرم، شامل سن، جنسیت، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، و نوع جرم، تعیین شوند. این امر به ایجاد عدالت در نظام قضایی کمک می‌کند و از مجازات‌های غیرمنصفانه جلوگیری می‌کند. هدف اصلی مجازات‌ها باید اصلاح مجرم باشد. با فردی‌سازی مجازات، می‌توان به نیازهای خاص هر مجرم توجه کرد و از مجازات‌های سخت‌گیرانه‌ای که ممکن است به جای اصلاح، به تشدید رفتارهای مجرمانه منجر شوند، پرهیز کرد. با توجه به ویژگی‌های فردی مجرم، می‌توان برنامه‌های پیشگیرانه و آموزشی مناسب‌تری طراحی کرد که به کاهش احتمال تکرار جرم کمک کند. (غیاثوند و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۱) این رویکرد به جای تمرکز بر مجازات، بر روی تغییر رفتار و بازگشت موفقیت‌آمیز مجرم به جامعه تأکید دارد. فردی‌سازی مجازات به مجرم این پیام را می‌دهد که او مسئول اعمال خود است و باید با عواقب آن روبرو شود. این امر می‌تواند به تقویت حس مسئولیت‌پذیری در افراد کمک کند. با وجود اهمیت اصل فردی‌سازی مجازات، در عمل ممکن است چالش‌هایی وجود داشته باشد. برای مثال، تعیین دقیق ویژگی‌های فردی و شرایط خاص هر مجرم نیازمند اطلاعات و داده‌های کافی است. به منظور بهبود این وضعیت، نیاز به آموزش و آگاهی‌بخشی به قضات و مقامات قضایی در خصوص اصول فردی‌سازی مجازات و استفاده از داده‌های علمی و تجربی در تعیین مجازات‌ها وجود دارد. همچنین، ایجاد نهادهایی برای نظارت بر اجرای این اصل می‌تواند به تحقق بهتر آن کمک کند. در نهایت، اصل فردی‌سازی مجازات به عنوان یک اصل بنیادین در سیاست‌گذاری جنایی، به ایجاد عدالت، اصلاح مجرمین و پیشگیری از جرم کمک می‌کند و باید به طور جدی در فرآیندهای قانونی و قضایی مورد توجه قرار گیرد. (فروتن و امام، ۱۴۰۰: ۷۰)

۵-۵- اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی

اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی به معنای این است که قوانین جدید نمی‌توانند به اعمالی که پیش از تصویب آنها انجام شده، تسری یابند. این اصل در سیاست‌گذاری جنایی نقش مهمی دارد. این اصل به حقوق و آزادی‌های فردی افراد کمک می‌کند. با جلوگیری از اعمال مجازات برای رفتارهایی که در زمان وقوع جرم قانونی بوده‌اند، از بی‌عدالتی و خودسری در نظام قضایی جلوگیری می‌شود. عطف به ماسبق نشدن قوانین باعث می‌شود که افراد بتوانند با اطمینان از قوانین موجود، رفتارهای خود را تنظیم کنند. این امنیت حقوقی به کاهش اضطراب و افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی کمک می‌کند. این اصل مانع از سوءاستفاده‌های احتمالی از قدرت قانونی می‌شود. اگر مقامات بتوانند به طور دلخواه قوانین را به گذشته تسری دهند، این امر می‌تواند به فساد و نقض حقوق بشر منجر شود. عطف به ماسبق نشدن قوانین به ثبات و پایداری نظام حقوقی کمک می‌کند. این ثبات به نهادهای دولتی و قضایی اجازه می‌دهد تا به طور مؤثرتری عمل کنند و از تغییرات ناگهانی و غیرمنتظره در قوانین

جلوگیری کنند. با وجود اهمیت این اصل، در برخی موارد استثنائاتی وجود دارد. به عنوان مثال، در مواردی که قانون جدید به نفع متهم باشد، ممکن است امکان عطف به ماسبق شدن وجود داشته باشد. این استثنائات باید به دقت مورد بررسی قرار گیرند تا از سوءاستفاده جلوگیری شود. در نهایت، اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی به عنوان یک اصل بنیادین در سیاست گذاری جنایی، به حفظ حقوق فردی، تضمین امنیت حقوقی و ایجاد ثبات در نظام قضایی کمک می کند. این اصل باید در فرآیندهای قانون گذاری و قضایی به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. (حاجی ده آبادی و بهارلویی، ۱۳۹۴: ۱۷۵)

۵-۶- اصل برائت

اصل برائت، به عنوان یکی از اصول بنیادین در حقوق کیفری و سیاست گذاری جنایی، نقش مهمی در تضمین عدالت و حقوق فردی دارد. این اصل به معنای این است که هر فردی تا زمانی که جرم او در دادگاه صالح به اثبات نرسیده، بی گناه محسوب می شود. اصل برائت به حفظ حقوق و آزادی های فردی افراد کمک می کند. این اصل از خودسری و نقض حقوق بشر جلوگیری کرده و به افراد این اطمینان را می دهد که تا زمانی که جرم آنها ثابت نشده، تحت فشار و مجازات قرار نمی گیرند. با تأکید بر اصل برائت، نظام قضایی به سمت عدالت محوری حرکت می کند. این اصل به قاضیان و مقامات قضایی این امکان را می دهد که با دقت بیشتری به پرونده ها رسیدگی کنند و از صدور احکام ناعادلانه جلوگیری نمایند. با پذیرش اصل برائت، فشار بر نظام قضایی کاهش می یابد. (احسانی زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۱) این اصل به دادگاه ها اجازه می دهد تا بر اساس شواهد و مدارک موجود عمل کنند و از صدور احکام سریع و غیرمنصفانه پرهیز نمایند. رعایت اصل برائت می تواند به تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی و مقامات قانونی کمک کند. هنگامی که افراد احساس کنند که حقوق آنها محترم شمرده می شود، تمایل بیشتری به همکاری با نهادهای قضایی خواهند داشت. با تأکید بر اصل برائت، نظام قضایی می تواند به جای تمرکز بر مجازات، بر روی پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران تمرکز کند. این رویکرد می تواند به کاهش نرخ جرم و بزهکاری در جامعه کمک کند. با وجود اهمیت اصل برائت، در عمل ممکن است چالش هایی وجود داشته باشد. برای مثال، در برخی موارد، فشارهای اجتماعی یا سیاسی ممکن است بر تصمیم گیری های قضایی تأثیر بگذارد. بنابراین، نیاز به آموزش و آگاهی بخشی به مقامات قضایی و عمومی در خصوص این اصل و اهمیت آن وجود دارد. در نهایت، اصل برائت به عنوان یک اصل بنیادین در سیاست گذاری جنایی، به حفظ حقوق فردی، تضمین عدالت و تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی کمک می کند و باید به طور جدی در فرآیندهای قانونی و قضایی مورد توجه قرار گیرد. (عباسپور و مهدوی، ۱۴۰۳: ۱۱۵)

۵-۷- اصل تفسیر محدود قوانین جزایی

اصل تفسیر محدود قوانین جزایی یکی از اصول کلیدی در سیاست گذاری جنایی است که تأثیر زیادی بر عدالت کیفری و حقوق بشر دارد. این اصل به معنای این است که قوانین جزایی باید به گونه ای تفسیر شوند که حقوق متهمان و بزه دیدگان به خوبی حفظ شود و از خودسری در اعمال مجازات جلوگیری شود. تفسیر محدود به این معناست که هر گونه ابهام در قوانین جزایی باید به نفع متهم تفسیر شود. این امر به حفظ حقوق فردی و جلوگیری از مجازات های ناعادلانه کمک می کند و از خودسری مقامات قضایی جلوگیری می کند. با تفسیر محدود، نظام قضایی به سمت عدالت محوری حرکت می کند. این اصل به قاضیان این امکان را می دهد که با دقت بیشتری به پرونده ها رسیدگی کنند و از صدور احکام ناعادلانه جلوگیری نمایند. تفسیر محدود می تواند به کاهش احتمال سوءاستفاده از قوانین جزایی کمک کند. (زارع پور و منصوری، ۱۳۹۴: ۲) اگر قوانین به طور وسیع تفسیر شوند، ممکن است مقامات قضایی از قدرت خود سوءاستفاده کنند و حقوق افراد را نقض کنند. با توجه به اینکه قوانین جزایی به طور دقیق و محدود تفسیر می شوند، افراد می توانند با اطمینان بیشتری رفتارهای خود را تنظیم کنند. این امر به کاهش بزهکاری و ایجاد یک جامعه امن تر کمک می کند. با وجود اهمیت این اصل، در عمل ممکن است چالش هایی وجود داشته باشد. برای مثال، در برخی موارد، تفسیر محدود ممکن است به تأخیر در اجرای عدالت منجر شود. همچنین، در برخی موارد خاص، ممکن است نیاز به تفسیر وسیع تری وجود داشته

باشد، به ویژه در مواردی که قوانین جدید به نفع متهمان باشند. در نهایت، اصل تفسیر محدود قوانین جزایی به عنوان یک اصل بنیادین در سیاست گذاری جنایی، به حفظ حقوق فردی، تضمین عدالت و پیشگیری از جرم کمک می کند و باید به طور جدی در فرآیندهای قانونی و قضایی مورد توجه قرار گیرد. (مؤذن زادگان و غلامعلی زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۶)

۶- اصول سرکوبگرانه و پیشگیرانه سیاست گذاری جنایی در حقوق ایران

در حقوق ایران، سیاست گذاری جنایی ترکیبی از دو رویکرد سرکوبگرانه و پیشگیرانه است و تلاش می شود تا با استفاده از هر دو روش، به کاهش جرم و افزایش امنیت اجتماعی دست یافت. در این گفتار به بررسی این اصول خواهیم پرداخت.

۶-۱- اصول سرکوبگرانه سیاست گذاری جنایی در حقوق ایران

این رویکرد بر مجازات و برخورد قاطع با مجرمان تأکید دارد. هدف اصلی آن، ایجاد ترس از مجازات و کاهش وقوع جرم از طریق اعمال مجازات های سنگین است. این رویکرد شامل قوانین جزایی سختگیرانه و اجرای قاطع آنها توسط دستگاه قضایی می شود. به عبارت دیگر اصول سرکوبگرانه در سیاست جنایی به مجموعه ای از تدابیر و اقدامات اشاره دارد که هدف آن ها مقابله با جرم و مجازات مجرمان است. در این قسمت از پژوهش به بررسی آنها می پردازیم.

۶-۱-۱- جرم انگاری

جرم انگاری همان محروم سازی اجتماعی (محمد زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۵) و به نوعی یک فرایند است که به سبب آن قانونگذار فعل یا ترک فعلی را ممنوع کرده و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین می کند. (نجفی توانا و مصطفی زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۱) به عبارت دیگر، جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن ارزش های اساسی جامعه و با تکیه بر عرف فعل یا ترک فعلی را ممنوع می کند. (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۲۵) این جرم انگاری کردن در ذات خود، ممنوعیت به وجود آورده و نقض آن مجازات هایی را به دنبال خواهد داشت. (هدایتی چنایی، ۱۴۰۰: ۵۳۱) در حقیقت جرم انگاری، بازتابی بر این حقیقت می باشد که جامعه نسبت به مساله مورد نظر واکنش و دقت خاصی نشان داده است. (فنائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۲) به دلیل پیشرفت علم و تکنولوژی و جدید بودن بسیاری از جرایم و نیز عدم جرم انگاری آنها در قوانین کیفری دولت ها، ارتکاب این جرایم بدون ضمانت اجرای کیفری بوده و مرتکبین این گونه جرایم بدون هیچ ترسی و با آسوگی خیال آن را انجام می دهند (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۳۱) از طرف دیگر، نماد قدرت یک دولت، وجود حقوقی بدون است که موجبات نظم و امنیت در آن جامعه را فراهم می آورد. یعنی قدرت یک دولت توسط حقوق کیفری تامین می گردد. چنانچه در مورد فعل یا ترک فعلی جرم انگاری صورت گرفته و ضمانت اجرا برای آن مشخص شده باشد، نه تنها امنیت داخلی تامین شده، هرج و مرج و بی نظمی از بین می رود (هدایتی چنایی، ۱۴۰۰: ۱۴۳) بلکه می تواند جلوی مداخلات بیگانگان نیز گرفته شود. از طرف دیگر ابزار جرم انگاری به نوعی پیشگیری از جرم بوده و با وجود آن جرات انجام جرم در مجرم تا حدودی کاهش می باشد. (افراسیابی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱) بر این اساس جرم انگاری امری پسینی بوده و مبتنی بر علوم زیر ساختی (مصطفی زاده و کشتگر، ۱۳۹۹: ۷۵) همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است. (فنائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۳)

۶-۱-۲- مجازات های کیفری

یکی از مواردی که ترغیب مرتکبین جرایم برای انجام دوباره آن جرایم را کاهش می دهد کیفردهی می باشد. کیفر دهی یعنی تحمیل مجازات بر کسی که جرمی را مرتکب شده است. براساس جرایم انجام یافته نوع و میزان کیفر نیز می تواند متفاوت باشد. در این بخش از پژوهش به دو مورد از پیشگیری کیفری بر اساس کیفری دهی اشاره می کنیم. در ابتدا جزای نقدی و سپس مصادره اموال مورد بررسی قرار می گیرد.

۶-۱-۲-۱- جزای نقدی

جزای نقدی که از دیرباز تا کنون وجود داشته است، می تواند به عنوان یکی از مهمترین کیفیتهایی باشد که بتواند در پیشگیری از جرایم مفید واقع گردد. این نوع از مجازات یکی از انواع مجازات های تعزیری است که میزان آن، بسته به جرم، متفاوت بوده و در یکی از درجات ۸ گانه مجازاتهای تعزیری، جای خواهد گرفت. در صورت دارا بودن شرایط قانونی، دادگاه می تواند بعضا میزان جزای نقدی را تخفیف داده یا تعلیق نماید. همچنین، می توان از دادگاه تقاضای تقسیط آن را بکند. (خسروی مزل، ۱۴۰۱: ۲۰) دلیل اهمیت جزای نقدی در این عصر، وضع اقتصادی افراد و نقش پول می باشد. با مجازات فرد بزهکار بوسیله جزای نقدی، امکان دارد وضعیت اقتصادی او با رکود مواجه شود و رکود اقتصادی برای افراد می تواند به عنوان راهکار مناسبی تلقی گردد.

۶-۱-۲-۱-۱- مصادره اموال

مصادره اموال به عنوان یکی از مجازاتی است که در قوانین بسیاری از دولتها مقرر شده است. (نیک نفس و گماری، ۱۳۸۲: ۲۶۰) در اصطلاح حقوقی مصادره اموال به این معنی است که دولت می تواند از تمام یا قسمتی از اموال شخصی سلب مالکیت و به نفع خود ضبط کند. (نجفی، ۱۳۹۸: ۱۴۰) دولت ها اموال خصوصی را تحت عناوین مختلف ضبط و توقیف می نمایند. این عمل گاه موقت و گاه دائمی است، زمانی با پرداخت غرامت و زمانی دیگر بدون پرداخت غرامت است، گاهی ماهیت حقوقی و گاهی دیگر جنبه کیفری دارد و بالاخره زمانی عین اموال و زمانی دیگر قیمت و ارزش آن ها مورد نظر است. بازداشت موقت اموال، اقسام ضمان و مسئولیت مدنی، دیه، تعزیرات مالی، کفارات مالیف تملک و تصاحب املاک خصوصی برای استفاده عموم، ملی کردن اموال و در نهایت مصادره از جمله مصادیق توقیف به معنای اعم است. (ابراهیمیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۱) بنابراین یکی از مجازات هایی که مقرر شده و دادگاه می تواند به عنوان کیفر به حاملان سگ بدهد، مصادره اموال است. همانطوری که اشاره شد مصادره اموال، ضبط کردن و توقیف اموال صاحب مال می باشد. البته زمانی می تواند مصادره اموال به عنوان راهبردی پیشگیرانه تلقی شود که متناسب بوده باشد. (قاسمی، ۱۳۸۲: ۶۴)

۶-۱-۲-۱-۲- نظام قضایی

نظام قضایی نقش بسیار مهمی در اصول سرکوبگرانه سیاست جنایی ایفا می کند. نظام قضایی مسئول بررسی و محاکمه افرادی است که به جرم متهم شده اند. این فرآیند شامل جمع آوری شواهد، شنیدن شهادت ها، و صدور حکم نهایی است. پس از صدور حکم، نظام قضایی مسئول اجرای مجازات های تعیین شده است. این مجازات ها می تواند شامل حبس، جریمه، و حتی اعدام باشد. نظام قضایی باید اطمینان حاصل کند که حقوق متهمان در طول فرآیند محاکمه رعایت می شود، از جمله حق داشتن وکیل و حق دفاع از خود. با اجرای دقیق قوانین و مجازات ها، نظام قضایی می تواند نقش مهمی در پیشگیری از وقوع جرم های جدید ایفا کند. این نقش ها به منظور حفظ نظم و امنیت در جامعه و تضمین اجرای عدالت به کار گرفته می شوند. (امیر حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۱)

۶-۱-۲-۱-۳- اجرای قانون

اجرای قانون یکی از ارکان اصلی اصول سرکوبگرانه در سیاست جنایی است و نقش های متعددی در این زمینه ایفا می کند. با حضور فعال نیروهای انتظامی و امنیتی در جامعه، احتمال وقوع جرم کاهش می یابد. این نیروها با گشت زنی و نظارت مستمر، از وقوع بسیاری از جرایم جلوگیری می کنند. نیروهای انتظامی مسئول دستگیری افرادی هستند که مرتکب جرم شده اند. این اقدام به سرعت و با دقت انجام می شود تا مجرمان نتوانند از اجرای عدالت فرار کنند. پس از صدور حکم توسط دادگاه، نیروهای انتظامی مسئول اجرای این احکام هستند. این شامل انتقال مجرمان به زندان، اجرای مجازات های مالی و حتی اجرای حکم اعدام می شود. نیروهای انتظامی با حضور فعال خود در جامعه، به حفظ نظم و امنیت

عمومی کمک می‌کنند و احساس امنیت را در بین شهروندان تقویت می‌کنند. این نقش‌ها به منظور تضمین اجرای عدالت و حفظ امنیت در جامعه بسیار حیاتی هستند. (وروایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۵)

۶-۲- اصول پیشگیرانه سیاست گذاری جنایی در حقوق ایران

این رویکرد بر پیشگیری از وقوع جرم از طریق اقدامات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی تأکید دارد. هدف اصلی آن، کاهش عوامل جرم‌زا و تقویت عوامل بازدارنده است. این رویکرد شامل برنامه‌های آموزشی، ارتقاء سطح آگاهی عمومی، و تقویت نهادهای اجتماعی و مدنی می‌شود. به عبارت دیگر اصول پیشگیرانه در سیاست‌گذاری جنایی در حقوق ایران شامل مجموعه‌ای از تدابیر و راهبردهاست که هدف آن‌ها جلوگیری از وقوع جرم و کاهش نرخ بزهکاری است. (نیازپور، ۱۴۰۰: ۵۶) این اصول بر مبنای مفاهیم اسلامی و جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته‌اند و موارد زیر را شامل می‌شوند.

۶-۲-۱- اصالت حاکمیت قانون

اصل حاکمیت قانون در سیاست‌گذاری جنایی به معنای این است که تمامی اقدامات و تصمیمات در حوزه حقوق کیفری باید بر اساس قوانین مصوب و به‌طور شفاف و مشخص انجام شود. این اصل به‌ویژه در رویکردهای پیشگیرانه و سرکوبگرانه سیاست جنایی اهمیت ویژه‌ای دارد. اصل حاکمیت قانون به حفظ حقوق فردی و اجتماعی افراد کمک می‌کند. با وجود قوانین مشخص، افراد می‌توانند از حقوق خود آگاه باشند و در نتیجه، رفتارهای خود را بر اساس قوانین تنظیم کنند. این امر به پیشگیری از وقوع جرم و نقض حقوق بشر کمک می‌کند. حاکمیت قانون به ایجاد شفافیت در نظام قضایی کمک می‌کند. افراد با آگاهی از قوانین و مجازات‌های مربوطه، می‌توانند رفتارهای خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که از ارتکاب جرم جلوگیری شود. این پیش‌بینی‌پذیری به کاهش نرخ جرم و بزهکاری کمک می‌کند. حاکمیت قانون مانع از خودسری مقامات و نهادهای قضایی می‌شود. این اصل به‌ویژه در سیاست‌های سرکوبگرانه اهمیت دارد، زیرا از سوءاستفاده از قدرت و اعمال سلیقه‌ای در اجرای قوانین جلوگیری می‌کند. رعایت اصل حاکمیت قانون می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی کمک کند. هنگامی که افراد احساس کنند که قوانین به‌طور عادلانه و برابر اجرا می‌شوند، تمایل بیشتری به همکاری با نهادهای قضایی خواهند داشت. در سیاست‌گذاری جنایی پیشگیرانه، اصل حاکمیت قانون به تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه کمک می‌کند. این برنامه‌ها باید بر اساس قوانین و مقررات مشخص طراحی شوند تا از تأثیرات منفی و غیرقانونی جلوگیری شود. در نهایت، اصل حاکمیت قانون به‌عنوان یک اصل بنیادی در سیاست‌گذاری جنایی، به تحقق عدالت، حفظ حقوق فردی و اجتماعی، و پیشگیری از جرم کمک می‌کند و باید به‌طور جدی در فرآیندهای قانونی و قضایی مورد توجه قرار گیرد. (نیازپور، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

۶-۲-۲- احترام به حقوق و آزادی‌های فردی

احترام به حقوق و آزادی‌های فردی در اصول پیشگیرانه سیاست‌گذاری جنایی به‌عنوان یک اصل کلیدی و بنیادین شناخته می‌شود. این اصل نه تنها به حفظ کرامت انسانی کمک می‌کند، بلکه به تقویت امنیت اجتماعی و کاهش جرم نیز منجر می‌شود. احترام به حقوق فردی به معنای شناسایی و حمایت از کرامت انسانی است. این امر به افراد این امکان را می‌دهد که بدون ترس از نقض حقوق خود، در جامعه زندگی کنند. در سیاست‌گذاری پیشگیرانه، توجه به حقوق فردی می‌تواند به کاهش احساس ناامنی و افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی کمک کند. با احترام به حقوق و آزادی‌های فردی، می‌توان به پیشگیری از جرم کمک کرد. هنگامی که افراد احساس کنند که حقوق آن‌ها محترم شمرده می‌شود، تمایل کمتری به ارتکاب جرم خواهند داشت. این امر به‌ویژه در جوامع با نرخ بالای جرم و بزهکاری اهمیت دارد. احترام به حقوق فردی به تقویت مشارکت اجتماعی کمک می‌کند. زمانی که افراد احساس کنند که صدای آن‌ها شنیده می‌شود و حقوقشان محترم است، تمایل بیشتری به مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی خواهند داشت. این مشارکت می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش همبستگی اجتماعی منجر شود. (نوریان و

محمدی، ۱۳۹۶: ۹۸) در سیاست‌گذاری پیشگیرانه، احترام به حقوق فردی به ایجاد فضای گفت‌وگو و تعامل بین افراد و نهادهای دولتی کمک می‌کند. این تعامل می‌تواند به شناسایی و رفع عوامل مؤثر بر وقوع جرم کمک کند و به ایجاد راهکارهای مؤثر و جامع برای پیشگیری از جرم منجر شود. احترام به حقوق و آزادی‌های فردی می‌تواند به کاهش تنش‌های اجتماعی و افزایش امنیت عمومی کمک کند. زمانی که افراد احساس کنند که حقوق آنها نقض نمی‌شود، احتمال بروز درگیری‌ها و تنش‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. در نهایت، احترام به حقوق و آزادی‌های فردی در اصول پیشگیرانه سیاست‌گذاری جنایی نه تنها به حفظ کرامت انسانی و ارتقای عدالت اجتماعی کمک می‌کند، بلکه به پیشگیری از جرم و تقویت امنیت اجتماعی نیز منجر می‌شود. این اصل باید به عنوان یک رکن اساسی در فرآیندهای قانونی و سیاسی مورد توجه قرار گیرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۴۹۵)

۶-۲-۳- ترویج عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی یک رویکرد نوین در نظام‌های حقوقی است که به جای تمرکز بر مجازات بزهکار، بر بازگرداندن عدالت و ترمیم آسیب‌های وارده به قربانی و جامعه تأکید دارد. این رویکرد تلاش می‌کند تا با ایجاد فرصت‌هایی برای گفت‌وگو و تعامل بین بزهکار، قربانی و جامعه، به حل و فصل منازعات و بازسازی روابط کمک کند. قربانی و بزهکار به‌طور مستقیم در فرآیند عدالت شرکت می‌کنند و نظرات و احساسات خود را بیان می‌کنند. تلاش برای جبران خسارات وارده به قربانی و جامعه از طریق اقدامات ترمیمی مانند عذرخواهی، جبران مالی یا خدمات اجتماعی. در این رویکرد بزهکار مسئولیت اعمال خود را می‌پذیرد و در فرآیند ترمیم شرکت می‌کند. همچنین باعث ایجاد فرصت‌هایی برای بازسازی روابط بین بزهکار، قربانی و جامعه به‌منظور کاهش تنش‌ها و جلوگیری از تکرار جرم می‌شود. از طرفی با تقویت حس مسئولیت‌پذیری و ایجاد فرصت‌های بازسازی، احتمال تکرار جرم کاهش می‌یابد. این رویکرد در ایران نیز مورد توجه قرار گرفته و در برخی موارد به‌عنوان جایگزینی برای مجازات‌های سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ایران، عدالت ترمیمی به عنوان یک رویکرد نوین در نظام حقوقی مورد توجه قرار گرفته است و در قوانین مختلفی به آن اشاره شده است. (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵)

۶-۲-۴- توجه به پیشگیری اجتماعی

توجه به پیشگیری اجتماعی در اصول پیشگیرانه سیاست‌گذاری جنایی به معنای شناسایی و مدیریت عوامل اجتماعی مؤثر بر وقوع جرم است. این رویکرد به دنبال ایجاد شرایطی است که به کاهش بزهکاری و ارتقاء امنیت اجتماعی منجر شود. پیشگیری اجتماعی بر شناسایی و تحلیل عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که می‌توانند به وقوع جرم منجر شوند، تأکید دارد. این عوامل شامل فقر، بیکاری، عدم دسترسی به آموزش و خدمات اجتماعی، و ناهنجاری‌های فرهنگی هستند. با شناسایی این عوامل، می‌توان برنامه‌های مؤثری برای کاهش جرم طراحی کرد. پیشگیری اجتماعی به تقویت نهادهای اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند. نهادهایی مانند خانواده، مدارس، و سازمان‌های اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در تربیت و آموزش افراد و جلوگیری از بزهکاری ایفا کنند. با تقویت این نهادها، می‌توان به بهبود شرایط اجتماعی و کاهش عوامل مؤثر بر جرم کمک کرد. توجه به پیشگیری اجتماعی به ایجاد فرصت‌های اجتماعی برای افراد آسیب‌پذیر کمک می‌کند. (رضوی فرد و معصومی، ۱۳۹۷: ۲۵)

این امر شامل فراهم کردن دسترسی به آموزش، اشتغال، و خدمات بهداشتی است. با ایجاد این فرصت‌ها، می‌توان به کاهش فقر و بیکاری و در نتیجه کاهش نرخ جرم کمک کرد. پیشگیری اجتماعی بر مشارکت جامعه در فرآیندهای پیشگیرانه تأکید دارد. این مشارکت می‌تواند شامل برنامه‌های آموزشی، فعالیت‌های فرهنگی، و پروژه‌های اجتماعی باشد که به تقویت روابط اجتماعی و کاهش تنش‌ها کمک می‌کند. با جلب مشارکت جامعه، می‌توان به ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و همبستگی اجتماعی کمک کرد. توجه به پیشگیری اجتماعی نیازمند ارزیابی مستمر و بازخورد از برنامه‌های پیشگیرانه است. این ارزیابی می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها کمک کند و امکان بهبود و اصلاح آنها را فراهم آورد. با استفاده از داده‌های علمی و تجربی، می‌توان برنامه‌های پیشگیرانه را بهبود بخشید و به نتایج بهتری دست یافت. در نهایت، توجه به پیشگیری

اجتماعی در اصول پیشگیرانه سیاست گذاری جنایی نه تنها به کاهش بزهکاری کمک می کند، بلکه به بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء امنیت اجتماعی نیز منجر می شود. این رویکرد نیازمند همکاری و هماهنگی میان نهادهای دولتی، سازمان های غیردولتی و جامعه است. (شکر بیگی و خوئینی، ۱۳۹۷: ۱۹۹)

۶-۲-۵- همکاری بین نهادی

همکاری بین نهادی در اصول پیشگیرانه سیاست گذاری جنایی به معنای تعامل و هم افزایی میان نهادها و سازمان های مختلف برای پیشگیری از جرم و ارتقاء امنیت اجتماعی است. این همکاری می تواند به بهبود کارایی برنامه های پیشگیرانه و کاهش نرخ بزهکاری کمک کند. همکاری بین نهادی به نهادهای مختلف این امکان را می دهد که به شناسایی و مدیریت عوامل خطر مرتبط با جرم بپردازند. نهادهایی مانند پلیس، سازمان های اجتماعی، آموزش و پرورش و نهادهای بهداشتی می توانند با همکاری یکدیگر به شناسایی مشکلات اجتماعی و اقتصادی که ممکن است به وقوع جرم منجر شوند، بپردازند. با همکاری میان نهادهای مختلف، می توان برنامه های پیشگیرانه ای طراحی کرد که به نیازهای خاص جامعه پاسخ دهند. این برنامه ها می توانند شامل فعالیت های آموزشی، مشاوره ای و اجتماعی باشند که به تقویت روابط اجتماعی و کاهش تنش ها کمک می کنند. همکاری بین نهادی به تبادل اطلاعات و تجربیات میان نهادها کمک می کند. این تبادل اطلاعات می تواند به شناسایی الگوهای جرم و تعیین اولویت ها در برنامه های پیشگیری کمک کند. همچنین، این همکاری می تواند به بهبود فرآیندهای تصمیم گیری و سیاست گذاری منجر شود. همکاری میان نهادها می تواند به تقویت جامعه محلی کمک کند. با جلب مشارکت جامعه در فرآیندهای پیشگیرانه، افراد احساس مسئولیت بیشتری نسبت به امنیت و رفاه جامعه خواهند داشت. این امر می تواند به کاهش نرخ جرم و بزهکاری منجر شود. همکاری بین نهادی می تواند به ارزیابی و بازخورد برنامه های پیشگیرانه کمک کند. نهادهای مختلف می توانند با همکاری یکدیگر به شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه ها پرداخته و بهبودهای لازم را اعمال کنند. در نهایت، همکاری بین نهادی در اصول پیشگیرانه سیاست گذاری جنایی نه تنها به کاهش بزهکاری کمک می کند، بلکه به بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء امنیت اجتماعی نیز منجر می شود. این رویکرد نیازمند همکاری و هماهنگی میان نهادهای دولتی، سازمان های غیردولتی و جامعه است. (فخرآبادی و شیرازی، ۱۴۰۲: ۲۵)

نتیجه گیری

سیاست گذاری جنایی به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام عدالت کیفری، نقش تعیین کننده ای در حفظ امنیت اجتماعی، پیشگیری از جرم و تضمین حقوق شهروندان ایفا می کند. بررسی اصول کلان و خرد سیاست گذاری جنایی در حقوق ایران نشان می دهد که این نظام، با وجود پیشرفت ها و تلاش های قابل توجه، همچنان با چالش هایی مواجه است که رفع آن ها مستلزم بازنگری و اصلاحات بنیادین است. اصول کلان سیاست جنایی که شامل سیاست های تقنینی، قضایی، مشارکتی، پیشگیرانه و ترمیمی می شود، چارچوبی جامع برای مواجهه با جرم و بزهکاری فراهم می آورد. این اصول به نظام عدالت کیفری ایران جهت می دهند تا بتواند ضمن حفظ نظم و امنیت، عدالت را به نحوی متوازن و انسانی اجرا نماید. از سوی دیگر، اصول خرد سیاست گذاری جنایی که بر رعایت حقوق فردی، قانونی بودن جرم و مجازات، تناسب مجازات با جرم و فردی سازی مجازات تأکید دارند، نقش کلیدی در جلوگیری از نقض حقوق بشر و تضمین عدالت کیفری دارند. این اصول، تضمین می کنند که مجازات ها نه تنها بازدارنده باشند، بلکه عادلانه و متناسب با جرم ارتكابی باشند و از هرگونه خودسرانه گری در اجرای قانون جلوگیری شود. در حقوق ایران، تأکید بر این اصول، به ویژه در قوانین موضوعه و آیین دادرسی کیفری، نشان دهنده تلاش برای ایجاد تعادل میان اقتدار دولت و حمایت از حقوق شهروندان است. با این حال، تحولات اجتماعی و افزایش پیچیدگی های جرم، ضرورت بازنگری در سیاست های جنایی را بیش از پیش آشکار ساخته است. رویکردهای نوین مانند عدالت ترمیمی، که بر جبران خسارت بزه دیدگان و بازاجتماعی سازی بزهکاران تمرکز دارد، فرصت های جدیدی را برای بهبود نظام عدالت کیفری فراهم آورده است. این رویکردها، با کاهش تمرکز صرف بر مجازات های کیفری سخت، به سمت ایجاد

تعادل میان نیازهای قربانیان، جامعه و مجرمان حرکت می‌کنند و می‌توانند به کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و ارتقاء رضایت عمومی منجر شوند. همچنین، مشارکت فعال جامعه مدنی و نهادهای مردمی در سیاست‌گذاری جنایی، از دیگر عوامل مؤثر در بهبود نظام عدالت کیفری است. این مشارکت، علاوه بر افزایش شفافیت و پاسخگویی، می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و ارتقاء فرهنگ قانون‌مداری کمک کند. در ایران، نهادهایی مانند شوراهای حل اختلاف و سازمان‌های مردم‌نهاد، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای تحقق این هدف دارند که باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند. در نهایت، می‌توان گفت که سیاست‌گذاری جنایی در ایران نیازمند رویکردی چندجانبه، مبتنی بر اصول علمی و تجربیات موفق جهانی، و متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور است. تنها از طریق تلفیق اصول کلان و خرد، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تقویت مشارکت مردمی و ارتقاء رویکردهای پیشگیرانه و ترمیمی، می‌توان نظام عدالت کیفری را به سوی کارآمدی و عدالت واقعی سوق داد. این مسیر نه تنها به کاهش جرم و بزهکاری کمک می‌کند، بلکه به ارتقاء امنیت، آرامش و همبستگی اجتماعی نیز منجر خواهد شد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذاران، قضات، پژوهشگران و فعالان اجتماعی با همکاری یکدیگر، برنامه‌های جامع و عملیاتی برای اصلاح و بهبود سیاست‌های جنایی تدوین و اجرا کنند. این همکاری می‌تواند زمینه‌ساز تحولاتی اساسی در نظام عدالت کیفری ایران باشد که پاسخگوی نیازهای روز جامعه و تضمین‌کننده حقوق همه شهروندان باشد.

منابع

۱. احسانی زاده، عاطفه؛ پیر احمدیان، امیر؛ یثربی، سید مسعود (۱۳۹۹)، «اصل برابرت حقی بر مجازات نشدن»، پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، دوره ۱، شماره ۱
۲. اکبری گندمانی، حامد؛ بهارلویی، سیاسم (۱۳۹۷)، «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها»، مجله حقوقی، دوره ۵، شماره ۶
۳. اکرم محمد زاده، جمال بیگی، فاطمه احدی (۱۴۰۱)، «مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری کلاهبرداری رفاهی در ایران»، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۱
۴. حاجی ده‌آبادی، محمد علی؛ بهارلویی، ریحانه (۱۳۹۴)، «تدابیر عام پیشگیری از بزه‌دیدگی از منظر قرآن و روایات اسلامی»، قرآن، فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱، شماره ۲
۵. حسین آقابابایی (۱۳۸۴)، «گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، مجله فقه و حقوق، شماره ۵
۶. حسینی، سید محمد (۱۳۸۸)، «سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری ایران»، تهران: انتشارات سمت
۷. خواجه پیری، عباس (۱۳۸۹)، «موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن»، تهران، مؤسسه الهدی، چاپ دوم
۸. رحمان هدایتی چنانی (۱۴۴۰)، «علل، آثار و بایدهای تحول ساختاری جرم‌انگاری حداکثری»، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، شماره ۱۶
۹. رسولی امیر حاجیلو، اسحاق؛ ابراهیمی، شهرام؛ فروغی، فضل‌الله (۱۴۰۱)، «چالش‌های قضایی و اجرایی زندان‌زدایی در سیاست جنایی ایران»، دوره ۸۶، شماره ۱۱۹
۱۰. رضوی فرد، بهزاد؛ معصومی، مسعود (۱۳۹۷)، «جایگاه پیشگیری غیر کیفری از تامین مالی تروریسم در سیاست جنایی ایران»، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، دوره ۱۳، شماره ۴
۱۱. رویا فنائی، مهدی صالحی، رضا نیکخواه سرنقی (۱۳۹۹)، «ضرورت تحول اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در خصوص جرایم مستحدث کیفری با تاملی بر اصول و قواعد فقهی»، فصلنامه فقه و اصول، شماره ۳

۱۲. زارع پور، زهرا؛ منصوری، سید مهدی (۱۳۹۴)، «مراحل تفسیر مضیق قوانین جزایی، دومین همایش ملی عدالت»، اخلاق، فقه و حقوق، تهران
۱۳. سیروس، قادر؛ الله ویردی میگونی، فرهاد؛ حاجی تبار، حسن (۱۴۰۱)، «تحلیل سیاست جنایی تقنینی و قضایی در قبال جرایم متاثر از رسانه»، پژوهش های جرم شناختی پلیس، شماره ۹
۱۴. سینا نجفی (۱۳۹۸)، «بررسی جزایی ضبط و مصادره اموال در قانون مجازات اسلامی ایران»، فصلنامه قانون یار، دوره ۳، شماره ۱۰
۱۵. شفاهی، علی؛ گرایلی، محمد باقر (۱۴۰۲)، «ناسازگاری سیاست جنایی تقنینی و قضایی افغانستان در مورد جرایم علیه خانواده»، مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، شماره ۴۷
۱۶. شکر بیگی، علیرضا؛ خوئینی، غفور (۱۳۹۷)، «سیاست جنایی در پیشگیری اجتماعی ناظر به منابع طبیعی و اراضی ملی»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۹
۱۷. شگری، جهانشاه؛ وروایی، اکبر؛ قاسمی، مسعود (۱۴۰۰)، «چالش های سیاستگذاری جنایی - تقنینی عدالت ترمیمی، در مواجهه با اصول قانون اساسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۱۱، شماره ۳۸
۱۸. شمس؛ عبدالله (۱۳۸۶)، «آیین دادرسی مدنی»، چاپ ۱۶، جلد اول، تهران: انتشارات دراک
۱۹. شیرانی، پویا؛ قلفی، سینا (۱۴۰۲)، «چالش های سیاست جنایی تقنینی ایران در شروع به جرم»، پژوهش های حقوقی، شماره ۵۴
۲۰. شیرینی، عباس (۱۳۹۷)، «سیاست گذاری جنایی درباره حقوق بزه دیدگان»، فصلنامه سیاست گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱
۲۱. صابر افراسیابی، غفور خوئینی، ابوالحسن مجتهد سلیمانی (۱۳۹۸)، «مبانی قانونی و اخلاقی جرم انگاری در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۱۴، شماره ۴
۲۲. عباس پور، نازنین؛ مهدوی، امید (۱۴۰۳)، «نقدی بر قوانین پول شویی در ایران از منظر فقه و قوانین موضوعه»، پژوهش ملل، شماره ۹۹
۲۳. علی قاسمی (۱۳۸۲)، «مصادره اموال بیگانگان در حقوق بین الملل»، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، ۱۳۸۲، شماره ۲۷
۲۴. علی نجفی توانا، فهیم مصطفی زاده (۱۳۹۲)، «جرم انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۸
۲۵. غلامرضایی راد، آرش؛ بیگی، جمال؛ احدی، فاطمه (۱۴۰۲)، «سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال جرایم و تخلفات ورزش پاورلیفتینگ»، تحقیقات نوین میان رشته ای حقوق، دوره ۳، شماره ۲
۲۶. غلامی، حسین؛ رحمانی، محمد (۱۳۹۶)، «مختصات تئوریک سیاست جنایی حکومت جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل مبانی، اصول و مدل بندی در مقام تئوری»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۶، شماره ۱۸
۲۷. غیاثوند، سعید؛ موسوی، ساجده؛ زند، فاطمه؛ بسیوند، میترا (۱۴۰۲)، «جایگاه اصل فردی کردن مجازات ها در میان اصول حاکم بر مجازات ها»، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، دوره ۹، شماره ۳
۲۸. فخرآبادی، علی؛ شیرازی، شبنم (۱۴۰۲)، «درآمدی بر جلوه های پیشگیری مشارکتی کنشی و واکنشی در سیاست جنایی ایران»، پژوهش های حقوقی میان رشته ای، دوره ۴، شماره ۲
۲۹. فخلعی، محمد تقی؛ عزیززاده، داود؛ حاجی وند، امین (۱۴۰۲)، «درآمدی بر پیشگیری از جرم از نگاه امام علی (ع)»، پژوهش دینی، شماره ۴۶

۳۰. فرخ رضا شفیعی، سید محمد؛ کونانی، سلمان؛ گلخندان، سمیرا (۱۳۹۸)، «رویکرد سیاست جنایی در حمایت از حقوق اساسی ملت با تأکید بر مداخله دولت (حکومت) و جامعه مدنی»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۲، دوره ۱۵
۳۱. فروتن، رضا؛ امام، سید محمد رضا (۱۴۰۰)، «مطالعه تطبیقی اصل فردی کردن مجازات ها در فقه جزایی اسلام و حقوق ایران با نگاهی به تحولات قانون مجازات اسلامی»، فقه جزای تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱
۳۲. فهیم مصطفی زاده، امیر کشتگر (۱۳۹۹)، «فلسفه و مبانی جرم انگاری در نظام های حقوق عرفی»، نشریه اندیشه های حقوق عمومی، دوره ۱۱، شماره ۲
۳۳. کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۵، «حقوق جزا»، چاپ بیستم، تهران: انتشارات شرکت سهامی
۳۴. کوشا، جعفر؛ زارعی، محمد حسین (۱۳۹۰)، «اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق بین الملل کیفری»، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۴، شماره ۷
۳۵. گلدوزیان، ایرج؛ قربانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قوانین ایران و واکنش جامعه در قبال جرایم ارتكابی آنها»، ماهنامه دادرسی، شماره ۹۴
۳۶. محسن خسروی مروول (۱۴۰۱)، «بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه مطالعات حقوق، شماره ۳۱
۳۷. محمد ابراهیم شمس ناتری (۱۳۸۳)، «جرایم سازمان یافته»، فصلنامه فقه و حقوق، شماره اول
۳۸. محمد صادق ابراهیمیان، بیت اله وید سالار، پرویز ذکاتیان (۱۴۰۱)، «مبانی فقهی مصادره اموال توسط ستاد اجرایی فرمان امام خمینی»، مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۵
۳۹. مرادیان، پرویز؛ قاسمی، مسعود؛ وروایی، اکبر (۱۳۹۸)، «جلوه های عدالت ترمیمی در شورای حل اختلاف سیاست جنایی ایران (فرصت ها و چالش ها)»، جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره ۲، شماره ۳
۴۰. مؤذن زادگان، حسنعلی؛ غلامعلی زاده، حسن (۱۳۸۸)، «بررسی تحلیلی جایگاه تفسیر شک به نفع متهم در حقوق کیفری»، پژوهش نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲
۴۱. مهدی نیک نفس، مسعود گماری (۱۳۸۲)، «جرائم و مجازات ها در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری و قوانین جزائی ایران»، فصلنامه مجلس و پژوهش، دوره ۱۰، شماره ۳۸
۴۲. نادری، حمید؛ متین پارسا، محمد؛ پورمازار، محمد (۱۴۰۲)، «واکاوی جایگاه میانجی گری در شوراهای حل اختلاف با رویکرد جامعه شناختی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴۵
۴۳. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۶)، «جامعه شناسی زندان»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی
۴۴. نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ زارع مهرجردی، علی (۱۳۹۱)، «خصوصی سازی عدالت کیفری: چرایی و چالش ها»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره ۱۱
۴۵. نقی پور نصیرآبادی، عباس؛ عالی پور، حسن؛ زندی، محمد رضا؛ امرالهی بیوکی، مژگان (۱۴۰۲)، «جایگاه نظارت جامعه مدنی در پیشگیری از جرایم اقتصادی در سیاست جنایی ایران: چالش ها و بایسته ها»، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، شماره ۲۱
۴۶. نوری، سید فاضل (۱۳۹۸)، «مسئولیت کیفری شخص حقوقی در پرتو اصل فردی بودن مجازات، تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی»، دوره ۲، شماره ۲

۴۷. نوریان، ایوب؛ محمدی، همت (۱۳۹۶)، «حریم خصوصی در پرتو حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی»، کنگره بین الملل حقوق شهروندی، تهران
۴۸. نیازپور، میر حسین (۱۴۰۰)، «گفتمان سیاست جنایی قوه قضاییه در دستورالعمل نحوه مشارکت و اعمال نهادهای مردمی با قوه قضاییه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۶
۴۹. نیازپور، امیر حسن (۱۳۸۹)، «پاسخ های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال»، نشریه مطالعات پیشگیری از جرم، دوره ۵، شماره ۱۴
۵۰. وروایی، اکبر؛ هاشمی، حمید (۱۳۹۳)، «تاثیر اخلاق در جرم انگاری و جرم زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۸
۵۱. یاقوتی، ابراهیم؛ نصیری اقدم، رضا (۱۳۹۸)، «عدالت ترمیمی: استراتژی سیاست جنایی در پیشگیری از بازخداد جرم (با نگاهی به آموزه های فقهی)»، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی توسعه، تهران
۵۲. یزدیان جعفری، جواد (۱۳۸۷)، «اصل تناسب جرم و مجازات؛ چرایی و چگونگی آن»، دو فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱۴